

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

سلسله جلسات ختم مفهومی

در محضر سوره مبارکه مزمل



استاد احمد رضا اخوت

بهار ۱۴۰۳

مقدمه

جلسه‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی مزمل ۱۴۰۳/۰۱/۲۲ ۲

ثواب قرائت سوره‌ی مبارکه‌ی مزمل ۲

نکاتی برای حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان ۳

قیام و برنامه‌ریزی ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه اول سوره مبارکه ی مزمل ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

ثواب قرائت سوره مبارکه ی مزمل

از دقیقه ۱۰ تا ۱۰

سوره مبارکه **الْمُزْمَلُ** خیلی موجز و مختصر است و در عین حال خیلی از جهت سیر و سلوک کامل است. از آن می توان به عنوان یک سوره سیر سلوکی نام برد؛ به دلیل اینکه مباحثی که در آن مطرح می کند، جنبه ی سلوکی دارد. در عین حال که حالت اجتماعی دارد، ولی از جهت فردی، بحث معنویت، بحث رسیدگی و خودسازی مطالب خیلی مهمی را در آن مطرح می کند. چه بسا می شود گفت که قواعد سیر و سلوک را مطرح می کند. چون قیامی که در این سوره است، قیام برای خدا است، برای اصلاح نفس خود و بعد جامعه است. یعنی اینکه انسان خود را اصلاح کند و از معبر اصلاح خود، دیگران را اصلاح کند. به همین دلیل اهمیت فوق العاده ای دارد. به ویژه این سوره برای بعد از ماه مبارک خیلی ارزشمند است؛ به دلیل اینکه یک ماه روزه دار بوده اید، می خواهید ثمرات معنویت آن یک ماه را حفظ کنید و نمی دانید چه کاری انجام دهید. با چه ظرفی، با چه ظرفیتی معنویت حفظ شود. سوره **الْمُزْمَلُ** این ظرفیت را به انسان می دهد که آن معنویتی که بوده است را حفظ کند. به همین دلیل بعد از مناسک، بعد از هر منسکی خوب است که انسان این سوره را با خود مرور کند و سعی کند مضامین این سوره را بعد از هر منسکی برای خود عملیاتی کند. این منجر می شود که مواهب و عنایت هایی که توسط آن منسک، مثل روزه، حج، خیلی از عبادت های جمعی مثل راهپیمایی اربعین، اینها را به طور طبیعی بتواند در خود حفظ کند. چون انسان در یک بارش رحمتی، در یک زمان محدود قرار می گیرد و باید بتواند آن را جمع کند. خیلی ها به واسطه ی اینکه یک مرتبه آن را از دست می دهند، حال آنها خیلی بد می شود. سوره **الْمُزْمَلُ** منجر می شود که یک مرتبه انسان وارد خشکسالی نشود. این رطوبت هوا، این معنویت و این رحمت برای او بماند.

در فضیلت سوره **الْمُزْمَلُ** مطرح می کنند، هر کسی سوره **الْمُزْمَلُ** را قرائت کند، در دنیا و آخرت سختی از او دور می شود. یعنی کار آن این است که منجر به دوری سختی های دنیا و آخرت می شود. به هر حال انسان در دنیا یک سری سختی هایی دارد و در آخرت هم سختی دارد. می گویند که این سوره دفع کننده ی آن سختی ها است. هم چنین می گویند: هر کسی این سوره را در نماز عشاء یا آخر شب بخواند، شب و روز و خود سوره، به نفع او شهادت می دهند و خداوند زندگانی خوبی به او می دهد و به مرگ خوبی او را بمیراند. این جنبه ی تثبیت کننده و جنبه ی حفظ کننده دارد.

پیشنهاد من این است که انسان بعد از هر منسکی این سوره را بخواند تا مواهب آن منسک برای او بماند. چون خود اینکه انسان یک ماه در مهمانی خدا بوده است؛ در حج یا در روزه ماه مبارک، خیلی برای او سخت است که یک مرتبه از این فضا خارج شود. این سوره می تواند او را حفظ کند. ان شاء الله که با این سوره اتفاقات خوبی برای ما بیفتد.

نکاتی برای حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان

قبل از اینکه این سوره را شروع کنم، چند نکته راجع به حفظ معنویتی که به وسیله‌ی ماه مبارک رمضان به هر حال در ما ایجاد شده است، می خواهم مطرح کنم. می گویند: ایجاد معنویت، به وجود آمدن عمل صالح یک بحث است؛ از آن مهم تر، حفظ آن است. انسان باید بتواند آن را حفظ کند. به نظرم می رسد که برای حفظ معنویت ماه مبارک رمضان اولین کاری که انسان باید انجام دهد، تصمیماتی که در ماه مبارک رمضان گرفته است، آنها را باید برای خود ثبت کند. ما تصمیم گرفته ایم این کار را انجام دهیم، آن کار را انجام دهیم، اخلاق ما خوب شود و... چون آدم به شدت فراموش کار است و بعد از مدتی فراموش می کند، چه قول و قرارهایی با خدا گذاشته است. هر کسی در یک صفحه ای بنویسد که قول و قرارهای او چه بوده است. با سوره **الْمُرْمَلُ** هم بی نسبت نیست. به دلیل اینکه همه اینها از مقوله‌ی تصمیماتی است که انسان گرفته است. وقتی این تصمیمات در برابری از برنامه ریزی قرار نگیرد و فقط در حد تصمیم باشد، طبیعتاً انسان فراموش می کند. پس به نظر می رسد که ابتدا باید ثبت شود، چه تصمیماتی گرفته ایم. تصمیماتی که انسان می گیرد، یک نوع نیست، بعضی ها مربوط به اصلاح اخلاق است که احتیاج به ممارست و ذکر دارد. یعنی شما به غیر از ذکر، چیز دیگری لازم ندارید. یعنی به یاد داشته باشید که این اخلاق باید اصلاح شود.

از دقیقه‌ی ۱۰ تا ۲۰

بعضی ها، خیر. از مقوله‌ی انجام یک کاری در یک فرآیند زمانی است. یعنی شما یک مهارتی را یاد می گیرید یا یک علمی را یاد می گیرید. کسانی که تصمیم گرفته اند، قرآن را یاد بگیرند؛ یاد گرفتن، احتیاج به زمان دارد، باید برنامه ریزی کنند. بعضی ها از کارها، غیر از اینکه برنامه ریزی می کنید یا در فرآیند زمان قرار می گیرد. یعنی علاوه بر اینکه به سمت برنامه ریزی می رود و در زمان های خاص باید کاری انجام دهید، باید محصولات و تولیدات را عرضه کنید، ایستگاه بگذارید برای عرضه کردن. از مقوله‌ی تولید حساب می شود، این نیست که فقط چیزی را برنامه ریزی کنید. پس مواردی که در ماه مبارک تصمیم گرفته اید:

- یا از مقوله‌ی اصلاح است که یک مراقبه و توجه می خواهد که مرتب باید این مراقبه برای فرد باشد.
- یا از مقوله‌ی برنامه ریزی است.

• یا از مقوله‌ی انواع و اقسام تولید و ارائه است. مثل اینکه شما فکری یا کاری را تولید می‌کنید، فقط در جایی عرضه می‌کنید. اینها باید دقیقاً مشخص شود.

این نکته اول بود.

اینکه هر ماه مبارک رمضان انسان از ماه دیگری تمایز داشته باشد، خیلی ضروری است. یعنی هر چه که احساس می‌کنید که این ماه مبارک نسبت به قبلی، این موضوعات برای ما مهم بوده است. خیلی مهم است که عنوان‌هایی که برای ماه مبارک رمضان قرار می‌دهیم، کاملاً مشخص باشد. پس در مورد حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان صحبت می‌کنم.

۱. اولین موردی که مطرح کردم این بود که مضامین سوره مبارکه **الْمُزْمَلُ** یک دستور العمل حفظ دستاوردهای مناسک است، هر منسکی. این را به عنوان یک قاعده‌ی کلی بدانید. دلیل آن هم این است که سیر و سلوک را در انسان تثبیت می‌کند.

۲. دومین نکته‌ای که برای ماه مبارک رمضان گفتیم؛ ثبت تصمیماتی که برای تحول خود در این ماه گرفته شده است. گفتیم بعضی از آنها به صورت مراقبه است، بعضی‌ها به صورت برنامه‌ریزی است، بعضی‌ها به صورت تولید و ارائه است. اینها باید دقیقاً مشخص شود. نوعاً افراد شب‌های قدر، به ویژه شب‌های آخر ماه مبارک رمضان، حتی شب‌های عید فطر، تصمیماتی را می‌گیرند، ولی به دلیل اینکه این تصمیمات ثبت نمی‌شود و یا در همان زمان به ذهن می‌آید؛ بعد از آن در همان هفته اول یا دوم، خلاصه به یک ماه نرسیده است، اصلاً فراموش می‌کند.

۳. سومین موردی که در حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان خیلی مهم است؛ عنوان‌گذاری ماه‌های مبارک رمضان در سال‌های متمادی است. اینکه انسان بداند، هر ماه به یک عنوان برجسب بخورد. مثلاً بگوید که این ماه مبارک رمضان توفیق حج پیدا کردم، عنوان آن می‌شود: رضانی که من را به حج کشاند. رمضان بعد از آن، منجر شد که فلان اتفاق بیفتد، فلان حاجت و ... عنوان می‌خواهد. حتی بعضی‌ها ممکن است، فرزندان خود را از ماه مبارک رمضان داشته باشند. دعا کرده‌اند، در آن سال فرزند به صورت خاص به آنها داده شده باشد. اسم ماه مبارک رمضان به حاجت داده شده، ثبت می‌شود. ممکن است با تأخیر هم این اتفاق بیفتد، مثلاً دو ماه، سه ماه، شش ماه بعد اتفاق بیفتد. می‌شود که عنوان‌های اولیه بگیرد یا ممکن است هر ماه مبارک رمضان، دو، سه و یا چند عنوان داشته باشد. عنوان‌گذاری‌ها در ثبت دستاوردها خیلی مهم است. همین که انسان می‌گوید که این ماه، ماه سفر اربعین ما بوده است، این ماه، ماه کربلای ما بوده است، ماه فلان تحول بوده است؛ بهتر است که عنوان تحول، عنوان ماه مبارک هر سال شود و خود این عنوان‌گذاری، به نظرم به انسان خیلی قدرت می‌دهد، توان انسان را بالا می‌برد.

۴. چهارمین مطلبی که برای حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان اهمیت دارد و باید مورد توجه قرار بگیرد؛ این است که یک سری برنامه‌های ثابت عبادی که از ماه مبارک نشأت گرفته است، برای طول سال در برنامه‌های انسان باشد. مثلاً ما هر سال، ماه مبارک که می‌شود، می‌گوییم که شب‌های جمعه فلان سوره را بخوانیم. در حقیقت عطیه ماه مبارک هر سال یک سوره می‌شود که به صورت جمعی افراد می‌خوانند. یک سال سوره مبارکه ق را خواندیم، یک سال سوره مبارکه ص را خواندیم. حتی ممکن است برای بعضی‌ها، عنوان ماه مبارک آنها، همان عنوان سوره شود. مثلاً بگویند: ماه مبارک سوره ص، ماه مبارک سوره ق. پس یک عطیه، یک موهبت، یک برنامه‌ی عبادی خاص که از این ماه سرچشمه گرفته است، برای کل سال انتخاب می‌شود. به نظرم می‌رسد که خیلی می‌تواند، کمک کند.

از دقیقه‌ی ۲۰ تا ۳۰

دوستانی که از من می‌پرسند که برای امسال چه عطیه‌ای قرار می‌دهید؟ چهار آیه سوره بقره و آل عمران؛ آیه الکرسی، به اضافه آیه **شَهِدَ اللَّهُ**^۱ به اضافه **قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمَلِكِ تَابِعِ حِسَابِ**^۲ که دو آیه است. هر فرد سعی کند حداقل روزانه این چند آیه را یک مرتبه بخواند. اگر نتوانست هفته‌ای یک مرتبه و شب‌های جمعه یک مرتبه بخواند، اگر نتوانست روز جمعه بخواند. هر که می‌تواند هر روز بخواند، فرقی نمی‌کند بعد از کدام نماز بخواند، ولی بهتر است که بعد از نماز صبح خوانده شود. البته می‌شود قبل از خواب هم خوانده شود. بنابراین هر روز قبل از خواب یا بعد از نماز صبح، یا شب‌های جمعه و یا صبح جمعه. بعضی افراد ممکن است نتوانند هر روز بخوانند و ناگهان یادشان بیاید که ما پنج روز گذشته نخوانده‌ایم، اشکالی ندارد، واجب که نیست، مستحب است. اینها جزء آیاتی هستند که در تعقیبات نماز به خصوص نماز صبح آمده است. آیه الکرسی که به صورت ثابت هم جزء دستورات علماء بوده است، هم در روایت به صورت زیاد ذکر می‌شود، حتی تعداد چهار تا از آن را برای حفظ از شرور مطرح می‌کنند. آیه **شَهِدَ اللَّهُ** این را از این جهت معرفی می‌کنم چون با مطالبی که در بحث توحید گفته شد، ارتباط برقرار کنیم.

پس شما می‌توانید هر سال خودتان، حتماً نباید به صورت جمعی باشد، این کار را انجام دهید و کاری به جمع نداشته باشید. هر سال یک عطیه و موهبتی به عنوان یک برنامه خاص انتخاب کنید و به صورت هفتگی و یا ماهانه اینها را انجام دهید. در این صورت شما به وسیله‌ی یک عمل صالح، به عنوان یک کار خیلی خاص توانستید که آیام ماه یا آیام سال را به ماه مبارک زنجیر کنید و دستاوردهای ماه مبارک را به کل سال انتقال می‌دهید. ماه مبارک جریانی دارد که بخشی از آن باید از قبل آن تدارک دیده شود و بخشی مربوط به بعد آن است. یعنی شما تا یک سری کارهایی

^۱ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۸

^۲ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۲۶ و ۲۷

را در سال انجام ندهید، ماه مبارک رمضان خوبی نخواهید داشت و بعد از آن هم تا موهبت‌های آن استمرار نداشته باشد، جریان خیر آن استمرار پیدا نمی‌کند. پس بنابراین ما داریم برای بعد آن برنامه می‌ریزیم که ماه رمضان بعدی قوت بیشتری داشته باشد، به ویژه امسال که در یک سال دوبار ماه مبارک را ملاقات می‌کنیم، انتهای همین امسال دوباره ماه مبارک را داریم. یعنی خیلی زود دوباره به آن می‌رسیم.

بنابراین چهارمین بحث برای حفظ دستاوردهای ماه مبارک این است که ما بتوانیم اثری از ماه مبارک در ایام هفته یا روزها و یا ماه بگذاریم که استمرار داشته باشد.

۵. پنجمین بحثی که منجر می‌شود که دستاوردهای ماه مبارک رمضان حفظ شود، خواندن برخی از دعاهایی است که در ماه مبارک رمضان گفته شده است و خواندن و استمرار آنها در طول سال است.

بعضی وقت‌ها ما فکر می‌کنیم که یک دعایی که برای یک ماه آمد، فقط برای همان ماه است و بعداً لازم نیست بخوانیم. مثلاً وقتی گفتند دعای عرفه، فقط مربوط به روز عرفه است و یا مثلاً **اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ**^۳ فقط برای ماه مبارک رمضان است. بله، ممکن است بعضی دعاهایی که عنوان آن ماه را دارد مثل **یا علی یا عظیم** اختصاصاً برای ماه مبارک رمضان باشد، ولی دعای ابوحمزه اختصاص به ماه مبارک رمضان ندارد و هر زمانی انسان می‌تواند بخواند.

اینکه انسان خود را محروم کند برای اینکه این دعا در ماه مبارک رمضان آمده است و وجه خوبی نیست. بعضی وقت‌ها تراکم خیلی از کارها اجازه نمی‌دهد که شما ابوحمزه یا جوشن بخوانید و کاری انجام دهید یا فرصت ندارید که کاری انجام دهید و ممکن است در موقعیت دیگری بتوانید آن کار را انجام دهید این، یعنی اینکه انسان هیچ وقت ابوحمزه نخواند به این دلیل که در ماه مبارک وقت نداشته است؟! یا فقط دعای جوشن کبیر را ایام لیالی قدر بخواند؟! جوشن کبیر یک دعای عام است و حتی اینکه در ماه مبارک رمضان می‌خوانند نه به این دلیل که این دعا در این ماه وارد شده است، به عنوان کلی وارد شده است. اتفاقاً شبی که توصیه شده است، شب اول ماه است. خواندن و استمرار بعضی از دعاهای ماه مبارک رمضان در طول سال به نظر من خیلی مهم است. از بین این دعاها چیزی که به صورت متمرکز می‌شود روی آن کار کرد، یکی دعاهای شب‌های آخر ماه است، به خصوص قسمت آخر آن که مرتب تکرار می‌شود، چون دو بخش دارد. دهی آخر دعایی دارد که قسمت اول در مورد پدیده‌ها است و هر شب هم عوض می‌شود، ولی قسمت دوم آن ثابت است. دو دقیقه هم بیشتر زمان نمی‌برد، ولی جامع همه‌ی خیرات دنیا و آخرت است.

^۳ فرازی از دعای ماه مبارک رمضان

انسان می‌تواند هر زمانی بخواند و حفظ کند و حتی معنی آن را در ذهن بیاورد. خیلی مضامین عجیبی در این دعا است، هم از خدا یقین می‌خواهد، هم از خدا رضایت می‌خواهد، از خدا ایمانی می‌خواهد که با قلب خود مباشرت داشته باشد.

از دقیقه‌ی ۳۰ تا ۴۰

لزومی ندارد که بعضی دعاها را شما حتماً عربی آن را بلد باشید، همان مضمون آن را هم که بلد باشید، کار می‌کند. ممکن است وقتی مضمون آن را بلد باشید در ذهن شما کمتر از نیم دقیقه طول بکشد که آن را بگویید و بهتر از آن است که کامل فراموش شود. آن بخش تکرار شونده‌ی دعاها شب‌های آخر ماه رمضان، خیلی خوب است برای اینکه ما بتوانیم مواهب ماه را جاری کنیم. بخش‌هایی از ابو حمزه واقعاً عجیب است، بعضی کلیپ‌های آماده هم هست، افرادی که جلسه‌ی قرآن دارند می‌توانند قبل از آن بگذارند، دو دقیقه و سه دقیقه دعا بگذارند. دعای ابو حمزه خیلی مقطع‌بندی عجیبی دارد و جاهای خیلی فوق‌العاده‌ای دارد که در بین ادعیه اهل بیت علیهم السلام منحصر به فرد است. مثلاً ترتیب حمد‌های اول آن در هیچ جایی از ادعیه به این شکل در حالتی از حالت آموزشی ندارد. مثلاً بخشی که مربوط به این است که انسان می‌تواند یک معنویت داشته باشد و آن معنویت تصنعی باشد، دلالتی که به زبان دعا ذکر می‌کند، کاملاً تبیینی است. بخش‌هایی از ابو حمزه لازم است برنامه ریزی شود و چقدر خوب است که این بخش‌ها قطعه قطعه شود و در فواصل سال به صورت منظم، یکبار ابو حمزه برای انسان مرور شود و فرد به مضامینی که امام سجاد علیه السلام گفتند تسلط پیدا کند، خیلی متن علمی عجیبی است. بیشتر از اینکه متن حالت معنوی داشته باشد، متن علمی و معرفتی است. حیف است که این دعا خوانده نشود و حیف است که این دعا فقط در ماه مبارک رمضان خوانده شود. الحمدلله در اصفهان از سنت قدیم بوده است که این دعا هر شب ماه مبارک توسط علماء خوانده می‌شود و فکر نمی‌کنم جایی مثل اصفهان این دعا را کار کرده باشند که هر شب ماه مبارک رمضان این دعا از اول تا آخر خوانده شود. به نظرم این منحصر به این شهر است. ولی باز هم ما کمی فاصله داریم. قدیمی‌های ما خیلی روی این موضوع اصرار داشتند، ولی نسل‌های بعد این حالت از آنها گرفته شده است، اگر الان از اغلب افراد اصفهان پرسید که در ماه مبارک رمضان چند بار ابو حمزه را خواندید، شاید یک بار یا دو بار باشد ولی باز هم خوب است که اصفهانی‌ها می‌گویند که یک بار یا دو بار خواندند، ولی شهرهای دیگر یک یا دو بار هم نمی‌خوانند و قطعه‌هایی از آن را می‌خوانند، چون خیلی بلند است. می‌گویند: مردم خسته می‌شوند. به هر حال یکی از راه‌هایی که می‌شود ماه رمضان را ادامه و استمرار داد ابو حمزه است و یکی هم که خیلی مهم است دعای جوشن کبیر است. به نظر من قدر دعای جوشن کبیر دانسته نشده است؛ البته می‌توان گفت قدر چه چیزی دانسته شده است که قدر این یکی دانسته نشده است؟! ولی در بین دعاهایی که از ناحیه اهل بیت علیهم السلام آمده است دعای جوشن کبیر یک حالتی دارد که در روایات می‌گویند که اسم اعظم خداوند در آن است و در

گره‌گشایی زندگی، کسانی که زندگی آنها یک‌مرتبه به بن‌بست می‌خورند، هیچ‌دعایی به اندازه جوشن کبیر گره‌ها را باز نمی‌کند؛ یعنی این دعا از منظر و مرعای نوع مردم حتی نوع کسانی که به خواندن این دعا توصیه می‌کنند مثل ما، مغفول است، یعنی ما معمولاً به افراد نمی‌گوییم جوشن کبیر بخوانند. نه اینکه ارزش آن دعاها کم شود، ولی هیچ‌گاه معادل جوشن کبیر نیستند.

جوشن کبیر یک سهالتی دارد که خیلی مهم است. این دعا را به نیت اینکه ماه مبارک را جاری کنید در برنامه خود بگذارید. این خوب نیست بگوییم که هر زمان مشکل پیدا کردید، جوشن کبیر بخوانید. چون یعنی ما دوست داریم که مشکل پیدا کنیم تا خدا را صدا کنیم و حرف ما این است که خدایا برای ما مشکل بفرست تا ما تو را بخوانیم و این خوب نیست. انسان خوب است که خدا را صدا بزند بدون اینکه مشکل هم داشته باشد.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: یکی از دلایلی که توصیه نمی‌کنم دعا را انسان‌ها در مشکلات بخوانند این است که نمی‌خواهم انسان‌ها شرطی شوند که خدایا من در صورتی تو را می‌خوانم که به ما مشکل بدهی. همین‌طور بخوانید؛ که اگر زمانی مشکل هم پیدا کردید و خواندید انتظار داشته باشید که گره‌ها باز شود. بنابراین اینها هم برای حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان است، نکته‌ی پنجم هم به نظر مهم است.

۶. نکته‌ی ششم در حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان که باز هم به سوره مبارکه **الْمُزْمَلُ** برمی‌گردد، بحث خواندن قرآن به صورت منظم است و اینکه انسان هر زمانی که قرآن می‌خواند، احساس کند که قرآنی را که در ماه مبارک رمضان نازل شده است را می‌خواند. چون **شَهْرُ رَمَضَانَ**^۴ که در خود آیه قرآن است که ذکر می‌کند ما در ماه مبارک رمضان قرآن را نازل کردیم و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**^۵ دلالتی دارد بر اینکه هر زمان که شما دست روی قرآن می‌گذارید و قرآن را باز می‌کنید و به صورت منظم و یا متفرق می‌خوانید، این را بدانید که این قرآن عطایی از ماه مبارک رمضان است و این منجر می‌شود که شأن ماه مبارک رمضان و شأن قرآن هر دو با هم ... یکی از کارهایی که در سنت خدا است، این است که وقتی می‌خواهد شأن چیزی را بالا ببرد با استفاده از بالا بردن یک شأن، شأن چیزی را بالا می‌برد. بر خلاف انسان‌ها که وقتی می‌خواهند شأن چیزی را بالا ببرند، یک چیزی را پایین می‌گذارند تا چیزی بالا بیاید! شیوه بالا بردن انسان‌ها این‌طور است که تا چیزی را خراب نکنند، چیزی را بالا نمی‌برند ولی خدا این کار را نمی‌کند.

^۴ سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۵

^۵ سوره مبارکه قدر، آیه ۱

خداوند شهر رمضان را به واسطه قرآن بالا می‌برد و قرآن را به واسطه ماه مبارک رمضان بالا می‌برد. اگر یکی از اینها بالا برود، آن دیگری هم بالا می‌رود. وقتی آن بالا می‌رود آن یکی بالاتر می‌رود و همین‌طور بالا برهای خدا به واسطه این، اتفاق می‌افتد. بالا برهای خدا شأن قائل شدن یکی و یکی و ... مثل اینکه برای اینکه حضرت فاطمه سلام الله علیها، مادر امیرالمؤمنین علیه السلام را بالا ببریم، می‌گوییم حضرت مریم سلام الله علیها در مسجد بود بیرونش کردند و حضرت فاطمه سلام الله علیها وقتی رسید شکاف کعبه باز شد و رفت. حتماً باید بگوییم که یکی را بیرون کردند و یکی داخل رفت. حتماً باید بگوییم موسی علیه السلام ترسید و امیرالمؤمنین علیه السلام نترسید. اصلاً نمی‌شود، در مرام ما نیست که یک چیزی را نزنیم و نابود نکنیم تا یک چیز دیگر را بالا ببریم. خدا این‌طور نیست. خداوند وصف مریم سلام الله علیها را در این سوره‌ها آورده است تا شأن حضرت فاطمه سلام الله علیها را بالا ببرد. او را صدیقه سلام الله علیها نام گذاشتیم که وقتی می‌گویند صدیقه حضرت فاطمه سلام الله علیها بگویند یعنی چه صدیقه؟ برای آنها علامت سؤال باشد. یعنی حضرت مریم سلام الله علیها را به دلیل صدیقه بودنش نماد حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها کرده است. تا به حال فکر کرده‌اید چرا به حضرت مریم سلام الله علیها صدیقه می‌گویند و چرا به حضرت فاطمه سلام الله علیها صدیقه می‌گویند؟ چرا بین این دو ارتباط برقرار کرده است. شما نگاه کنید حضرت مریم سلام الله علیها نماد صدیق است. فکر کرده‌اید که حضرت ساره سلام الله علیها به عنوان اهل بیت علیهم السلام است و بعد اهل بیت علیهم السلام هم به عنوان اهل بیت علیهم السلام هستند؟ حالا ما باید بگوییم حتماً حضرت ساره سلام الله علیها چیزی که هست ولی اهل بیت علیهم السلام ما خیلی خوب بودند. خیر، اصلاً حضرت ساره سلام الله علیها نماد اهل بیت علیهم السلام است. اگر من و شما حضرت ساره سلام الله علیها را نمی‌شناسیم، تقصیر ما است یعنی این‌طور نیست که او خدای ناکرده، العیاذ بالله حسد داشت و حرف‌هایی که به یکی از بهترین زنان عالم از چهار زن برگزیده‌ی عالم نسبت می‌دهند. حتماً باید بگویند یک پایینی دارد تا بگویند یک چیزی یک بالایی دارد، خیر. او نماد است.

قرآن اعتبار خود را از اهل بیت علیهم السلام می‌گیرد و اهل بیت علیهم السلام اعتبار خود را از قرآن می‌گیرند. هرچقدر قرآن بالا برود، اهل بیت علیهم السلام هم بالا می‌روند و هرچقدر اهل بیت علیهم السلام بالا بروند قرآن هم بالا می‌رود، اما سعی کردند بین این دو فاصله بیفتد. اگر یک نفر بگوید قرآن به علاوه اهل بیت علیهم السلام یعنی در ذهن او هر دو باشد، باعث تعجب می‌شود! می‌گویند مگر می‌شود؟

حتماً باید بگویید قرآن و بعد هم بگویید اهل بیت علیهم السلام. در ذهن نیست که این دو با هم یک نور واحدی هستند که در دو بستر کار می‌کنند.

لَنْ يَفْتَرِقَا هیچ امکان افتراق بین آنها نیست. این اخلاق بدی که از آباء ما به ما رسیده است را باید کنار بگذاریم. در قرآن و توسط خدا یک چیزی مثل رسول خدا صلوات الله علیه، مثل ولی خدا را بزرگ می کند و به همان نسبت چیز دیگری را بزرگ می کند با توجه به بزرگی آن یک چیز دیگر هم بزرگ می شود. قرآن و رمضان با هم در قرآن بزرگ شده اند. حالا چه اشکالی دارد که انسان وقتی قرآن را باز می کند، به یاد ماه مبارک رمضان و سحرها و روزه های خود بیفتد؟ خواندن قرآن به صورت منظم، یادآوری ارتباط قرآن با ماه مبارک رمضان. ماه رمضان یعنی ظرف نزول قرآن. ظرف نزول قرآن و پاکی آن ظرف. نشان می دهد که اگر کسی بخواهد که قرآن در او مستقر شود باید رضائی شود. یعنی باید یک صیانت و طهارت و جریانی از فطرت در او جاری شود مثل عید فطر. به تدریج انسان متوجه می شود که جنس استقرار قرآن، رمضان است. بنابراین اینکه بزرگان توصیه می کردند که دوشنبه ها و پنج شنبه ها را روزه بگیرید به این دلیل بوده است که می خواستند روزه ای ماه مبارک رمضان در بقیه ایام پخش شود. من این را توصیه نمی کنم، چون خودم غیر از ماه مبارک رمضان هیچ وقت را به خاطر ضعف جسمی که بر من عارض می شود و یا به خاطر تنبلی روزه نمی گیرم. ولی در روایات برای آنها مهم بوده است که حتی از روزه ای ماه مبارک رمضان در هفته نشانه گذاری کنند و آن هم به سفارش پیامبر اعظم صلوات الله دو روز در هفته، دوشنبه و پنج شنبه که طبق روایتی که از حضرت سلمان علیه السلام نقل می شود که می گوید: من هر روز را روزه هستم، می گویند: چطور هر روز را روزه هستید؟ می گوید: هر کسی که دوشنبه و پنج شنبه و یا سه روز در ماه را روزه بگیرد، یعنی همه ای ماه را روزه گرفته است. اینها نشانه گذاری های ماه مبارک رمضان بوده است که در ایام سال اتفاق افتاده است که بعداً چون فلسفه های آن به ما نرسیده است، ما فقط روزه های را گرفتیم و کاری به ضمیمه آن نداشتیم. خیر، داستان آن، این بوده است: یادآوری ظرف نزول. روزه به خاطر ظرف نزول قرآن بوده است. یعنی اگر دوشنبه و پنج شنبه، روزه می گرفتند به این دلیل بوده است که قرآن در آنها استقرار پیدا کند نه به خودی خود. خودی خود، یعنی فضای روزه، این منسک، رمضان، ریاضت شرعی به دلیل استقرار نور قرآن در آن اهمیت پیدا کرده است. **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** می خواهد بگوید کلام خدا باید در یک محل و موقعیت پاک جاری شود. روزه به این دلیل آمده است و به همین دلیل هم استقرار آن در ایام سال گفته شده است.

من بحث روزه آن را توصیه نمی کنم، هر کسی که انجام می دهد الحمدلله. من مواردی را که می گویم، سعی می کنم خودم هم بعضی از آنها را انجام دهم یا حداقل از آنها دور نباشم.

اینکه قرآن را با ماه مبارک رمضان مرتبط کنیم، خیلی مهم است. ماه مبارک رمضان در نزد خدا خیلی شرافت دارد. می گویند مواظب باشید نگویید رمضان، بلکه شهر مبارک و ماه مبارک رمضان بگویید. حتماً حرمت آن را ادا کنید.

از دقیقه‌ی ۵۰ تا ۶۰

این شش مطلب بود که برای حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان به ذهنم رسید چون روز عید فطر و یکی دو روز بعد از آن، انسان خیلی ناراحت است از این جهت که عبادت‌های خیلی زیادی انجام نداده است، ولی دوست دارد به همان اندازه که در ماه مبارک رمضان، دستاورد داشته است را حفظ کند. حفظ همان مقدار کم هم برای انسان موضوعیت دارد، زیرا واقعاً انسان دلتنگ می‌شود. من خیلی ناراحت می‌شوم برای کسانی که ماه مبارک رمضان ندارند و روزه نگرفته‌اند. احساس می‌کنم که اینها در زندگی خود یک چیز عجیبی را ندارند. کسی که اهل روزه نیست یک چیز خیلی بزرگی را ندارد، یک گنجی از عرش را ندارد، یک قدرت آسمانی را ندارد، یک رزق نافع پربرکت دائم را ندارد. خیلی جای ناراحتی است کسانی که روزه نمی‌گیرند و حرمت ماه را حفظ نمی‌کنند. ما که حفظ می‌کنیم هم ناراحت می‌شویم که داریم از این ماه می‌روییم. طبیعی است، چون خلاء آن را حس می‌کنیم. ناراحتی اگر به عمل منجر شود مانند این شش موردی که گفتیم سودمند است، ولی اگر به عمل منجر نشود، انسان می‌گوید شما خیلی سخت گیر هستید؛ دیگر گذشت چرا ناراحت می‌شوید!؟

سؤال: در مورد کسانی که اصلاً نمی‌توانند روزه بگیرند، مثلاً بیماری دائمی دارند....؟

پاسخ: روزه گرفتن جزء احکام است. یک نفر ممکن است روزه بگیرد و دیگری روزه نگیرد، مسافر باشد یا مریض باشد. در آیه هم آمده است: **فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ^۷** مهم این است که او حس کند ماه رمضان برای او هم است. آن کسی که روزه گرفتن برای او حرام است، حق ندارد در ملاء عام روزه‌خواری کند یا نهار مهمان دعوت کند و مانند انسانی زندگی کند که ماه مبارک رمضان ندارد. اغلب مردم ما تحت تأثیر ماه مبارک رمضان هستند. تعداد خیلی کمی حدود ده یا بیست درصد هستند که کاری با ماه مبارک رمضان ندارند. نشانه آن هم نانوایی‌ها و ...

سؤال: نامفهوم

^۷ سوره بقره آیه ۱۸۴

پاسخ: بله، افطاری دعوت می‌کنند، افطاری می‌روند. به هر حال تحت تأثیر آن هستند، ولی این باید یک مقدار هوشیارانه‌تر باشند تا منافع آن حفظ شود. خود روزه گرفتن یا نگرفتن بر اساس احکام است. مثل اینکه من می‌گویم که من دوشنبه و پنج‌شنبه را نمی‌توانم روزه بگیرم، در روایت است که به کسی که گفت: من نمی‌توانم روزه بگیرم. گفتند: این ذکر را بگو^۸، خیلی مهم است که در ذهن انسان باشد که برای صیانت این جریان، دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها و یا سه روز در ماه را روزه بگیرد. می‌گوید من نمی‌توانم، می‌گویند حداقل این ذکر وارد شده را بگویند.

ان‌شاءالله ماه‌های مبارک ما وصل به ولیّ خدا شود. تا امام نباشد منسک، منسک نمی‌شود. منسک با امام، معنا پیدا می‌کند. البته ما امام داریم. ولی خیلی هم نداریم حالا به همان اندازه که داریم، استفاده می‌کنیم. ان‌شاءالله که این امام دار بودن ما محرز شود. نشانه آن هم اینکه ماه مبارک امسال برای اغلب افراد طعم خاصی داشته است به خاطر توجه آنها به دلیل اضطراب عالم به مقام امام بوده است. این منسک با امام معنا پیدا می‌کند. در سوره مبارکه شوری این موضوع آمده است.

سوره مبارکه **الْمُزَّمِّلُ** خیلی سوره‌ی عجیبی است. البته من به هر سوره‌ای که می‌رسم، می‌گویم عجیب است، دست خود من هم نیست. این سوره خیلی خطاب آن به پیامبر صلوات الله علیه است. **الْمُزَّمِّلُ** به تشدید «زاء» و تشدید «میم» که می‌گویند اصل آن متزمل بوده است، اسم فاعل از باب تفعّل است یعنی کسی که یک لفافه‌ای یا جامه‌ای را به خود پیچیده است تا بخوابد یا از سرما حفظ شود، **الْمُزَّمِّلُ** می‌گویند.

یعنی انسان از روی اضطراب یک چیزی دور خود می‌پیچد از روی سرخوشی نیست. اینکه یک مصونیت و یک حفظی برای او باشد. نمی‌تواند تغییر وضعیت بدهد، می‌تواند یک چیزی دور خود بیچد تا حفظ شود.

خیلی از شما در زمستان سفر اربعین رفتید، داخل موکب جا نبود، پتو هم نبود، مجبور بودید پیراهنی یا چیزی دور خود بیچید، به این حالت پیچیدن **الْمُزَّمِّلُ** می‌گویند. چرا در شب گفته است، به این دلیل که شب بود و سرد بود یا می‌خواست که بخوابد، این اتفاق افتاده است.

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ﴿١﴾ قُمْ

الْمُزَّمِّلُ خیلی تعبیر عجیبی است. یک حالت نیمه آماده باش در آن است. این‌طور نیست که روی او لحاف انداخته باشند تا گرم شود؛ مثل اینکه او منتظر است. بحث انتظار آن خیلی مهم است.

^۸ اقبال الاعمال ج ۲ ص ۶۳۷، يُسَبِّحُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ إِلَى تَمَامِ ثَلَاثِينَ بِهَذَا التَّسْبِيحِ مِائَةً مَرَّةً سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْأَعَزَّةَ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ

اینکه انسان شب را منتظر دریافت رحمت خدا باشد و **قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ**^۹ یعنی آن خوابی که عمق پیدا کند، نه اینکه نباشد. سهم آن در انسان کم شود در عوض آن یک حالتی از آمادگی برای پذیرش حقایق در انسان وجود داشته باشد.

از دقیقه‌ی ۶۰ تا ۷۰

چون شب، محل خلوت انسان با خدا است. حیف است این خلوت را از دست بدهد. حیف است انسان بخوابد، گوش‌هایش را هم ببندد و بگوید که خسته‌ام، بخوابم تا فردا که دوباره برود در مشغله‌ها و تراحم‌ها و گرفتاری‌ها غوطه بخورد، دوباره شب خودش را بیندازد و از فرط خستگی خوابش ببرد، دوباره فردا.

علت آن، این است که، وقتی انسان می‌گوید: مرغ باغ ملکوت‌م، موجودی است که برای ملکوت است. تا زمانی که سخن ملکوت در او جاری نشود، او زنده نمی‌شود، حال نمی‌آید، نشاط پیدا نمی‌کند. او با صوت مردم، با حرف و گفت و شنود مردم، رشد نمی‌کند، بالا نمی‌رود. او با کلام خدا بالا می‌رود.

سؤال: مبنا عمیق نشدن است یا طولانی نشدن؟

پاسخ: عمیق نشدن به این معنا که آلوده به غفلت نشود. بیشتر منظور این است که انسان نرود و کار به هیچ چیز نداشته باشد.

در این تعبیر **يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ** است، نمی‌گوید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ**، **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ**، مثل اینکه قبل از رسالت و نبوت ایشان، این حال در پیامبر صلوات الله علیه بوده است. ایشان آماده‌ی شنیدن وحی بوده است.

قیام و برنامه‌ریزی

يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ ﴿١﴾ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾

یعنی شب را جز کمی به پاخیز. یعنی بخشی را بخواب، ولی بیشتر حالت قیام داشته باش.

می‌گوییم: چقدر؟ می‌گوید: **نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾**

نیمی از شب را، یا کمی از آن.

به پیامبر صلوات الله علیه دستور داده شده است که نیمی از شب را قیام داشته باشد. قیام نیمی از شب، خیلی می‌شود.

^۹ سوره مبارکه ذاریات، آیه ۱۷

شما فکر کنید شب ده ساعت می شود، نیم می شود پنج ساعت. هر چند اگر ما شب را از مغرب حساب کنیم، ما از پیامبر صلوات الله علیه جلو می زنیم. خیلی وقت ها شب نشینی داریم و خیلی ساعات شب را بیدار هستیم. این برای زمانی است که افراد موقع شب به استراحتگاه خودشان می رفتند و آنجا که مثل الان برق نبود، ما الان با برق سهم روز را بیشتر کرده ایم. نمی گویم این کار خوب است یا بد است. ولی **نِصْفَهُ أَوْ انْقِصَ مِنْهُ قَلِيلاً** مربوط به آن فضا است. و گرنه اگر بخواهیم برای خود بگوییم تا برویم بخوابیم، به طور طبیعی این آیه را حتماً عمل می کنیم.

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً ﴿۴﴾

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ

راجع به اینکه چرا کم یا زیاد می کنند، دلایلی را می گویند:

- ممکن است در طول سال، شب و روز آن متفاوت باشد، که البته این یک دلیل است.
- یکی هم به خاطر نیازهای درونی خود آدم است. اینکه انسان بعضی وقت ها نیاز به زمان بیشتری دارد.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: خیر، قیام به این معنا است که انسان باید کاری انجام دهد که در آن برای انجام یک تصمیم یا یک برنامه آمادگی پیدا کند. فراهم کردن مقدمات عمل است.

شما هر کاری انجام می دهید، کارگری می کنید یا درس می دهید، اول قیام می کنید، بعد درس می دهید. همه چیز روی قیام استوار است. قیام، پایه ای است که همه چیز روی آن سوار است. هر کاری می کنید، باید متناسب با آن یک قیام مخصوص داشته باشد. هر کاری می کنید، مثل پی ساختمان است. اگر شما می خواهید یک ساختمان ده طبقه بسازید، باید پی آن را ده طبقه بگذارید. دو طبقه، دو طبقه، صد طبقه، صد طبقه. قیام یعنی این، قیام معادل پی عمل است.

مثلاً پیامبر صلوات الله علیه که می خواهد اسلام را برای همه ی عالم در همه ی زمان ها پایه ریزی کند، قیام او باید این گونه باشد. برای خود ما هم همین طور است. ما معمولاً قیام را بد، معنی می کنیم. یا برخاستن معنی می کنیم، مثلاً می گوییم: ما قیام می کنیم بر علیه شاه. قیام می کنیم بر علیه طاغوت. ولی اینجا که می رسیم نمی توانیم این طور معنی کنیم. قیام می کنیم بر علیه چه کسی؟ بر علیه خدا؟! یا بر علیه خودمان؟! قیام می کنیم که چه شود؟ اما خیر، قیام یعنی شما پایه ی اعمالی را در زندگی خود می چینید که روی آن استوار باشد.

مثل دوستانی که به دانشگاه می‌روند، که براساس آن شغلی داشته باشند، دانشگاه رفتن به نسبت آن شغل، قیام می‌شود. درس خواندن یک مدل برخاستن است. یک مدل قیام است که آن شغل که عمل است، روی آن سوار است.

مثلاً فردی رشته پزشکی می‌رود، شش سال درس می‌خواند یا ده سال درس می‌خواند، بستگی دارد شما بخواهید پزشک قابلی شوید یا خیر. فردی دیگر هم ممکن است، هم پزشکی مدرن و هم طب سوزنی بخواند، همه مهارت‌ها را سعی می‌کند که داشته باشد که به نسبت بیمار از این مهارت‌ها استفاده کند. مباحث آنها متفاوت است. مثل کسی که یک مجتمع درست می‌کند. یک پی و یک نقشه می‌کشد، نقشه‌ی مجتمع می‌کشد. بنابراین اینها قیام است. به نظرم می‌رسد که دلیل اینکه انسان‌ها در زندگی خود به جایی نمی‌رسند یا چیزی نمی‌شوند، این است که قیام‌های آنها حساب و کتاب نداشته است، اگر قیام حساب و کتاب داشته باشد، حتماً فرد یک چیزی می‌شود، قطعی است.

از دقیقه‌ی ۷۰ تا ۸۰

اگر پی یک ساختمان ده یا بیست طبقه را ریخته باشند و صاحب او نخواهد کار را ادامه بدهد، پی آن قابل پیگیری است. نفرات بعد روی آن ساختمان می‌سازند. ولی وقتی زمینی دارید که پی هم ندارد، هیچ اتفاقی نیفتاده است. ما معمولاً عمل‌های خود را بدون پی می‌ریزیم. خشت را چیده‌ایم و بالا رفته‌ایم، همین موجب می‌شود که ناگهان که به طبقه دوم رسیدیم، دو طبقه یک باره فرو می‌ریزد. خیلی بحث قیام و پی‌ریزی مهم است.

قَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا

سؤال: نامفهوم

پاسخ: من مفهوم قیام را در این سوره به صورت کلی گفتم و در سوره بعد یعنی **الْمُدَّثِّرُ**، قیام روزانه را مطرح می‌کند، اینجا قیام شبانه را مطرح می‌کند.

مفهومی هم به نام قیام داریم. ما در اینجا به مفهوم مطلق قیام کاری نداریم، در این سوره قیام شبانه را داریم. قیام شبانه یعنی فرد باید بلند شود پس نفس بلند شدن این است که می‌خواهد برای زندگی و کارهای روز خود پی‌ریزی کند.

قیام شبانه یعنی: پی‌ریزی اعمال روزانه.

اعمال روزانه ممکن است:

- ممکن است استمرار داشته باشد.

• ممکن است استمرار آن کم باشد و فقط برای آن روز باشد.

مانند ليله القدر، شما در شب قدر بلند شدید، سعی کردید در شب قدر طوری قیام کنید که در کل سال اعمال شما براساس آن باشد. قیام شبانه ليله القدر ما، خیلی مثال خوبی است. رسول صلوات الله علیه، هر شب ایشان این گونه است. هر شب او، شبیه شب های قدر ما است. کسی که نمی تواند خود را با پیامبر مقایسه کند. **لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ**^{۱۰}. فقط برای مثال بیان شد.

جمع بندی کنیم و نتیجه بگیریم.

در این جلسه برای ما یک موضوع مهم بشود و آن هم معنی قیام است. قیام برای ما مهم بشود. انسانی که قیام ندارد، نمی تواند عمل صالح داشته باشد. مگر اینکه خدا بخواهد او را به سمت عمل صالح ببرد که البته همیشه خدا به ما همه چیز داده است، با اینکه نه قیام داشته ایم نه چیزی داشتیم، نه شهادتین درستی و نه نماز درستی خوانده ایم، خدا ما را کشانده است. من کاری به کار خدا ندارم، که همین طور ما را می کشاند و در کاسه ما می گذارد و بعد هم جزا و پاداش می دهد، بحث رحمت خدا را من کاری ندارم. اما بعضی چیزها از نظر عقلی است، کاری به فضل خدا به این معنی ندارم.

اگر عملی بخواهد درست و حسابی باشد، یعنی صالح باشد، رخنه و شکست نداشته باشد، به نتیجه برسد و منفعت داشته باشد، باید قیام داشته باشد. نمی تواند قیام نداشته باشد. می گوئید: ما انجام دادیم و شده است. ما عمل صالح بدون قیام هم داشتیم.

جواب آن، این است که ممکن است که شما قیام داشتید و خود خبر نداشتید. گاهی هم این است که خدا لطف می کند، همیشه این قاعده هست. ما وقتی بحث می کنیم از منظر خودمان بحث می کنیم. حتی آیات هم وقتی بحث می کنند، قاعده ها را مطرح می کنند، ولی اینکه یک سری قاعده بالاتر از این قواعد هم هست آن را خدا می داند.

ولی، مفهوم قیام در یک زندگی اگر فهمیده شود، تحول در آن زندگی قطعی است. بعضی از مفهوم ها، اگر فقط مفهوم فهمیده شود، تحول ایجاد می کند. کاری به عمل فرد به این معنا هم ندارد. چون می فهمد عمل باید پشت داشته باشد، نمی شود همین طور بی برنامه، عبادت بی برنامه، تربیت بی برنامه، نماز خواندن بی برنامه، همه چیز همین طور بعد هم بخواهد نتایج درخشان داشته باشد، نمی شود. مفهوم قیام باید فهمیده شود. مفهوم قیام این است که اگر عمل در زندگی انسان، در حکم یک ساختمان پرنفع و پربازده است. قیام بی آن است. البته ممکن است کسی در مورد عمل

^{۱۰} نَحْنُ أَهْلُ الْكَلْبَةِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ فِينَا نَزَلَ الْقُرْآنُ وَ فِينَا مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ. عیون أخبار الرضا علیه السلام، جلد ۲، صفحه ۶۶

این را قبول نداشته باشد، بگوید عمل این نیست. چون عمل در زندگی انسان یک ساختمان است، چیزی است که تولید می‌شود و از انسان خارج می‌شود. مثل عمل در زندگی، مثل فرزند در زندگی برای انسان است. وقتی شما بچه‌دار می‌شوید، بچه یک ساختار کاملاً مجزائی دارد. غذا می‌خورد، به بلوغ می‌رسد. خود او یک جریانی را تولید می‌کند. عمل از شما رها می‌شود و در یک زنجیره قرار می‌گیرد. اگر عمل را این‌طور فکر کنیم، قیام، پی آن می‌شود و شما با قیام یک چیزی را پی‌ریزی می‌کنید.

یک قیام سوره **الْمُزَّمِّلُ** داریم، یک قیام سوره **الْمُدَّثِّرُ**. در **الْمُزَّمِّلُ** که مقدمه‌ی **الْمُدَّثِّرُ** است، این پی‌ریزی در درون فرد اتفاق می‌افتد، در **الْمُدَّثِّرُ** این پی‌ریزی در بیرون فرد اتفاق می‌افتد. یعنی باید مقدماتی را در بیرون فراهم کنید تا کارهایی انجام شود. اگر این پی‌ریزی انجام نشود، در ادامه نمی‌توانید کارهایی را انجام دهید.

از دقیقه‌ی ۸۰ تا ۹۰

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾

می‌پرسید که پیامبر صلوات الله علیه به پا خیزد که چه کار کند؟ باید قیام کند، بلند شود. آیا فقط بلند شود؟ خیر،

وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾ إنا سنلقي عليك قولاً ثقیلاً ﴿٥﴾ إن ناشئة الليل هي أشد وطناً وأقوم قیلاً ﴿٦﴾

ممکن است بگویند که از قیام این حرف‌هایی که من می‌گویم به دست نمی‌آید. قیام یعنی بلند شوید و قرآن بخوانید، بلند شوید و نماز بخوانید. پی‌ریزی ندارد، حرف من است.

درست می‌گویید، اما در این آیه می‌گوید:

إنا سنلقي عليك قولاً ثقیلاً ﴿٥﴾

ما قول ثقیلی را بر تو القاء کردیم.

إِنْ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

آنچه به وسیله‌ی شب سرچشمه می‌گیرد، اسم آن نَشْئَةُ است،

هِيَ

آنچه از شب سرچشمه می‌گیرد،

أَشَدُّ وَطْناً

پا برج‌تر، محکم‌تر و

وَأَقْوَمُ قِيلاً ﴿٦﴾

است.

معلوم می‌شود یک پی است که مبنای عمل و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است.

إِنْ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

یعنی از آن شب بلند شده است سرچشمه گرفته است، فقط یک قرآن خواندن نبوده است. یک جریانی بوده است که براساس آن باید کاری انجام شود. ما به آن پی می‌گوییم. در عربی علی می‌شود. یا درک یک نقشه، چشم‌انداز، افق؛ اسم‌های مختلفی برای آن گذاشته‌اند. فعلاً همان پی را بگوییم.

بعضی از مفاهیم را باید ابتدا فهمید، روی آن مفهوم سوار کند، بعد خراب کند و چیز دیگری بگذارد. عده‌ای همان معنای اولیه که قرار است بعداً خراب کنیم را زیر سؤال می‌برند و می‌گویند که قیام که این نیست.

شب باید خاصیت داشته باشد. نه، قیام شب باید خاصیت داشته باشد. نه، قیامی که در آن قرآن خوانده می‌شود باید خاصیت داشته باشد. که تصمیمات روز را، **إِنْ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ**، فرد از آن بگیرد. یک نفر می‌گوید: من تصمیم‌گیری ندارم، صبح می‌خواهم به سر کار بروم. می‌خواهم یک حقوقی داشته باشم، زندگی بگذارنم. این نیازی به تصمیم‌گیری ندارد. بعضی این‌گونه فکر می‌کند. اگر همان افراد کاسبی که کار می‌کنند، بدانند برای اینکه رزق حلال آنها خالص‌تر بشود، با گرفتاری کمتری بتوانند رزقی را به دست بیاورند، حق الناس گردن آنها نباشد، با یک آدم ناجور مواجه نشوند، قرین سوء نداشته باشند، همسایه بد آنها را اذیت نکند، زندگی خوش و آرام و راحت باشد، اسلام را بتوانند اجرا کنند، بتوانند با دیگران خوش رفتاری کنند، کسی آب آنها را گل نکند، اعصاب آنها را به هم نریزد، همه‌ی اینها احتیاج به ...

اینکه شما فردا با چه کسی چه قراری دارید را باید شب قبل برنامه‌ریزی کنید. کدام عالم را ببینید، کدام مؤمن از مسیر شما عبور کند. اینها پایین‌ترین سطح داستان است. پایین‌ترین سطح آن این است که اتفاقات فردا شما را به چه علائقی می‌کشاند. یک حرف خوبی که یک نفر می‌زند که در قلب شما نفوذ می‌کند. برعکس آن هم ممکن است. یک حالت بدی برای انسان پیش بیاید. زندگی برای او تلخ‌تر از هر چیزی بشود. پس شب بلند شوید و مقدمات فردا را...

إِنْ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

یعنی آن چیزی که از شب سرچشمه می گیرد،

أَشَدُّ وَطْئًا

محکم تر است و

وَأَقْوَمُ قِيْلًا ﴿٦﴾

کسی نمی تواند آن را پاره کند، آن را تحت تأثیر قرار بدهد.

می گوید: یعنی همین که شب بلند بشوم و نماز شب بخوانم خوب است؟ بله، گویی خوب است. خیلی مهم است که فردا من چه می خورم، چه می پوشم، با که حرف می زنم. گذر من به کدام... این پایین ترین سطح است. همین هم خوب است. آیا می شود بالاتر از این هم باشد؟ بله، می شود. اینکه چه حرفی را به چه کسی می زنم که او هدایت می شود. چه سخن حقی را به دیگری می گویم. چه علم حقی را به دست می گیرم. مبدأ کدام خیر می شوم. یک حرف می زنم. می گویم: مگر شما پول ندارید؟ بروید یک مسجد بسازید. او هم می رود و یک مسجد می سازد. درست است که من پول نداشتم، ولی توانستم ده تا از این مسجدها بسازم. خدا آقای شیرازی را رحمت کند. سید ضیاء اگر اشتباه نکنم. ایشان جزء علمای مطرح تهران بود. ایشان در خانه ی خود یک دفتری داشت. الان هم هست پیش فرزندان او هست. کسانی را که مسلمان کرده بود از آنها یک امضاء گرفته بود. می گفت: به لطف خدا چهارصد نفر را مسلمان کردم. اسم همه ی آنها در آن دفتر هست. پیرمرد خیلی شیرین خوش مشربی بود. اینکه گذر شما به چه کسی می افتد که می توانید او را مسلمان کنید. گذر شما به چه کسی می خورد که اگر می خواهد طلاق بگیرد، جلوی طلاق او را بگیرید. گذر شما به چه کسی می افتد که یک حرفی بزنید، یک مسیر اشتباهی که می خواهد برود؛ نگذارید.

اعمال انسان اگر از قبل پی ریزی شود، قابل مدیریت است. اگر این در شب اتفاق بیفتد، **أَشَدُّ وَطْئًا** است. البته روز هم می شود این کار را انجام داد. یک وقت کسی نگوید که روز نمی شود پی ریزی کرد. ولی شب **أَشَدُّ** است. شب خیلی مهم است.

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾

برای تو در **النَّهَارِ** یک تلاش مستمر طولانی است.

تا آیه ی هشت کافی است. نتیجه بحث ما برای دوستانی که بحث را پیگیری می کنند این است که یک قدم جلو برویم. شب های خود را شب کنیم. اگر شب کسی شب نباشد، خوب روز او هم روز نیست. ما باید زندگی خود را از حالت تصادفی به یک حالت برنامه ریزی شده ی نه منفی؛ چون برنامه ریزی های بعضی ها به دست شیطان است. او برایشان می گوید با چه کسی رفت و آمد کنند، چه چیزی را ببینند. در بعضی از برهه های زندگی

انسان خودش تجربه کرده است. وقتی زندگی از دور خدا خارج می‌شود، بدجوری شیطان برنامه‌ریزی می‌کند. مثلاً شما در خیابان هم که می‌روید یک مرتبه سر شما را می‌پیچاند و درون خانه‌ای را می‌بینید که نباید آن صحنه را ببینید. حتی روی صحنه‌ها هم برنامه‌ریزی می‌کند؛ اتفاقی نیست.

از دقیقه‌ی ۹۰ تا ۱۰۰

اتفاقی نیست که انسان یک مرتبه یک صحنه‌هایی را می‌بیند. اتفاقی نیست که انسان یک مرتبه نمازش قضا می‌شود. اتفاقی نیست که انسان یک مرتبه دل یک نفر را می‌شکاند. اتفاقی نیست. این به خاطر آن پی‌ریزی است. پی‌ندارد. وقتی پی‌ندارد، برنامه‌ندارد، تصادف می‌شود؛ نه، تصادف نداریم. یا انسان در برنامه‌ی خدا می‌رود، یا در برنامه‌ی می‌رود؛ وسط ندارد. چیزی تصادف نیست.

لذا اگر یک موقعی کسی یک کاری کرد که خلاف بود، نمی‌گوییم که ناامید بشود. برگردد ببیند چرا این طور بوده است. به خودش نهیب بزند. حتی ممکن است یک نفر تصادف بکند، برگردد ببیند چه کار کرده است که تصادف کرده است. شب او را چه جوری گذرانده است. چه جوری صدمه به دیگران زده است. صدمه غیر عمد بوده است. چه جوری صدمه غیر عمد به کسی زده است؟ مگر چنین چیزی می‌شود؟ مگر چنین چیزی داریم؟ می‌گوید: من به خدا نمی‌خواستم چنین کاری بکنم. بله، اگر می‌خواستید که جزا بیشتر بود. ولی شما باید ببینید چه غفلتی در شب داشتید. چه غفلتی در قیام شما بوده است.

این حرفی که اینجا نوشتم مفهوم قیام اگر فهمیده شود، به طور طبیعی تحول در انتظار انسان است. چون انسان با یک سری اعمال ناخواسته یک مرتبه مواجه می‌شود که اگر به اراده‌ی خودش بود اصلاً اینها را حذف می‌کرد. یعنی نمی‌گذاشت سر راهش قرار بگیرد. چرا سر راه او قرار گرفت؟ چرا دوست ناباب سر راه او قرار گرفت؟ چرا شریک ناباب سر راه او قرار گرفت؟ چرا سر او را کلاه گذاشتند؟ در حالی که می‌شد کلاه نگذارند. می‌گوییم: چرا؟ می‌گوید: دنیا است دیگر؛ محل ابتلاء است. می‌گوییم: یک دفعه هم این طوری نگوئید. بگوئید که قیام شبانه نداشتم. قیام‌های لازم قبل از آن را تأمین نکرده بودم. از این به بعد تأمین بکنید. از این به بعد در نقشه خداوند بیایید. خدا همه آن قبلی‌ها را هم جبران می‌کند. کلاه‌هایی که سر شما گذاشتند را جبران می‌کند، قرین‌های سوئی که بوده است را جبران می‌کند. اصلاً کار خداوند جبران است. ولی شما در نقشه او قرار بگیرید. بعد دست شما را در دست کسی که بلد است این کار را بکند می‌گذارد.

چرا ما با خیلی از علماء ارتباط نداریم؟ چرا ما با خیلی از مؤمنین ارتباط نداریم؟ نه، چرا مهم‌تر از همه ما با خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط نداریم؟ تصادفی نمی‌شود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غیب است؛ مخفی است. ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فقط ارتباط مواجه‌ای

نیست. ارتباط القائی دارند، ارتباط دعایی دارند، انواع و اقسام ارتباط دارند. ما حتماً داریم. پس چرا آن را حس نمی‌کنیم؟ آن قیام باید بتواند این پی ریزی را انجام بدهد.

مفهوم قیام، بالاخص قیام‌های شبانه خیلی مهم است. قیام روزانه از یک جنبه‌ی دیگری مهم می‌شود. این قیام واقعاً چیز معرکه‌ای است. به نظر من می‌رسد که اگر به من بگویند که پنج مفهوم یا ده مفهوم از مفاهیم معرفتی دین را لازم است به یک نفر بیاموزید و بیشتر حق ندارید. یک دانه آن را حتماً قیام می‌گذارم. البته این حرف من استناد قرآن هم دارد. **قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ وَفْرَادَى** ^{۱۱} یعنی **أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ** خداوند است.

سؤال: اینکه فرمودید پی ریزی درونی و بیرونی خود **نَاشِئَةً** نمود درونی این قیام است یا نمود بیرونی آن؟

پاسخ: نمود درونی آن. نمود درونی است که به بیرون صادر می‌شود. مثل چشمه‌ای است که از درون صادر می‌شود ولی آب آن در بیرون قابل خوردن است.

سؤال: خودم چنین برداشتی ندارم، ولی اگر کسی نماز شب نخواند و اگر به قول شما صحنه بدی ببیند، این چرخه‌ای هست که روی هم اثر دارد؟
پاسخ: ولی نه به شکل علت و معلول. روی هم اثر دارد، اقتضاء تولید می‌کند.

سؤال: صد در صد کامل نیست.

پاسخ: چون می‌تواند با یک اتفاق بد فرد تحریک بشود، شب آن اتفاقاً بیشتر باشد. بحث قیام لیل الزاماً بحث نماز شب یا قرآن خواندن نیست. نماز و قرآن یکی از کارهایی است که در این قیام می‌شود انجام داد. قیام آن آمادگی که انسان برای روز خود دارد پیدا می‌کند می‌شود.

سؤال: از نظر ذهنی؟

پاسخ: هم ذهنی، هم فکری، هم رفتاری. آدم به خودش یک سری چیزهایی را می‌قبولاند که اتفاقاتی بیفتد. ممکن است مثلاً یک بخشی از آن دعا باشد. مثلاً یک بخشی از آن مطالعه باشد. یعنی هیچ بعدی ندارد که ما در قیام لیل اصرار داشته باشیم کسی نماز شب بخواند یا فقط قرآن بخواند. چون ممکن است شما برای زمینه کار خود، مطالعاتی هم داشته باشید. البته من نمی‌گویم مطالعه، چون بعضی‌ها شب کار هستند و مطالعات خود را هم برای شب می‌گذارند. بعد هم می‌گویند که ما شب بهتر می‌خوانیم. اما در روز یا خسته هستند، یا خواب‌آلود هستند.

^{۱۱} سوره مبارکه سبأ، آیه ۴۶

سؤال: خستگی از شب

پاسخ: این هم خوب نیست. در سبک زندگی باید خواب به نسبت رفع کسالت اتفاق بیفتد، روز حتماً به تحرک و پویایی پرداخته بشود، شب به تفکر و تعمیق یافتن.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: پس ممکن است تفکر هم جزء آن باشد. اگر نگاه کنید اول می گوید: **قُمِ اللَّيْلَ بَعْدَ مَا كُنْتَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ...**

سؤال: اول قُمِ اللَّيْلَ بَعْدَ مَا كُنْتَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ ...

پاسخ: بله، بعضی ها می گویند که در آن نماز شب هم هست که در نماز شب می شود قرآن خواند. به صورت کلی اگر کسی بخواهد قیام را بشناسد خوب است که به قیام در نماز توجه کند.

از دقیقه ۱۰۰ تا ۱۱۰

سؤال: نامفهوم

پاسخ: در نمازها یک قیام دارید که جزء رکن نماز حساب می شود. شما اول باید برای تکبیره الاحرام قیام داشته باشید، برای قرائت باید قیام داشته باشید، نماز روی قیام چیده می شود. رکوع روی قیام است، اگر قیام نداشته باشید، رکوع معنی ندارد. سجده روی قیام است.

سؤال: قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ...

پاسخ: اسم قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام قیامت، قیام رسول خدا صلوات الله علیه، قیام واژه بسیار پر استعمالی در جاهای مختلف است. **إِنَّ**

هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ تَقْوِيمٍ، قَوْمٍ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، دِينَ الْقِيَمَةِ، خیلی واژه‌ی وحشتناکی است، خیلی توسعه معنایی وحشتناکی

دارد.

سؤال: من تمام آیه‌های راجع به شب زنده‌داری را در قرآن استخراج کردم و وقتی که خواندم، صلوة اصلاً نیامده است، ولی قرآن خواندن و ترتیل

آمده است، حتی در سوره **الْمُزْمَلُ** هم ترتیل و اینها آمده است، پس چرا تعبیر به نماز شب شده است، در حالی که آیه صراحتاً به تدبر اشاره می کند؟

پاسخ: به صورت کلی نماز، نماد **خَيْرِ الْعَمَلِ** است و به خودی خود یک بسته کاملی است که نشان دهنده عمل است. نماد یک عمل خیر، نماز

است. هر کاری که به آن شبیه شود، رنگ و بوی نماز به خود می گیرد و منجر می شود که فرد دائم در نماز باشد.

پس اینها وضعیتی از انسان را ترسیم می کند که دوام در نماز دارد. یعنی ثابت مؤمن، آن چیزی که برای او فرض اولیه است، دوام در نماز است. دوام در نماز مؤمن به این شکل است که یک نماز دارد، مثل نماز ظهر و صبح که یک ویژگی دارد، نیت، تکبیره الاحرام، قیام و رکوع و سجده و تشهد و سلام دارد. یعنی هر عمل مؤمن این ویژگی ها را دارد، پس بنابراین نماز مؤمن، مثل امام است و اعمال دیگر مثل مأموم هایی هستند که به او اقتدا کردند. پس در فرهنگ قرآن مؤمن کسی است که دائم در نماز است، البته مؤمن کامل. پس بنابراین وقتی می گوید: **قُم**، فرق آن در این است که در نماز این کار را می کند. می گوید: منظور یعنی اینکه بایستند و بگویند الله اکبر؟ می گوئیم: خیر، منظور آن یازده رکعت است، ولی او هر کاری می کند، بسته نماز انجام می دهد. یعنی نیت و تکبیره الاحرام و قیام و رکوع و سجده و تشهد و سلام دارد. هر کار او، اینها را دارد.

سؤال: ... اسمیه است.

پاسخ: بله، ثبوت دارد.

سؤال: نماز شب و اینها است؟

پاسخ: بله، نماز شب هم مصداقی از آن می شود. یعنی این مؤمن چون این بسته را اجرا می کند و نیت خدایی دارد، از غیر خدا برائت می جوید. نسبت به آن کار، آیات قرآن مربوط به آن کار را در نظر می گیرد. از ولی خدا تبعیت می کند. مئیت ندارد. از کار او شهادت به توحید صادر می شود. سلم است، اینها همه نماز است. روح نماز در کارهای او است. ممکن است که نشسته باشد و نماز هم نخوانده باشد. چه بسا آن مؤمن هایی که می گوئیم، تعداد نمازهای مستحب آنها خیلی کم باشد، ولی وقتی به اعمال آنها نگاه می کنید، چون اعمال آنها شبیه نماز بوده است، همه ی اعمال آنها به حساب نماز محاسبه می شود؛ غیر از اینکه خود عمل هم حساب می شود. یعنی در نامه عمل او فلان رکعت نماز برای او نوشته شده است. می گوید: محاسبه کنید، من یک هزارم این هم نماز نخواندم. چرا این قدر زیاد نوشتید. می گویند که هر عملی که مثل نماز بوده است و شکل نماز را پیدا کرده است، به حساب نماز گذاشته شده است، البته غیر از آنکه آن عمل هم برای او ثبت شده است.

مثلاً یک نفر را دستگیری کرده است، دستگیری آن فرد هم برای او ثبت شده است. به همین دلیل می گوئیم: **حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ**. بشتابید به سوی بهترین عمل که آن **خَيْرِ الْعَمَلِ** است و آن، امام همه ی اعمال می شود. یعنی باید همه اعمال شبیه آن شود. حالا اینکه می گوئیم که چرا **قُمِ اللَّيْلَ** نماز شب است، اتفاقاً اشخاصی مثل علامه رحمت الله علیه می گویند که نماز شب است به این دلیل است که روی نماز خیلی حساس هستند. وگرنه اگر این تعبیر را قبول نکنید، دائم بودن در نماز در سوره معارج معنا پیدا نمی کند. وقتی که انسان در جهاد است، نماز که نمی خواند، ولی می گویند که دائم

در نماز است. مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام در حال قضاوت است و جواب مردم را می‌دهد، چرا پس می‌گویند دائم در نماز است. یعنی آن کار ایشان هم، همه ویژگی‌های نماز مثل نیت و تکبیره الاحرام و قیام و قرائت و رکوع و سجده و تشهد و سلام را دارد.

سؤال: پاسخ این شبهه هم هست که چطور امیرالمؤمنین علیه السلام در شب‌ها هم هزار رکعت نماز می‌خواند و هم به یتیمان غذا می‌داد؟

پاسخ: بله، امیرالمؤمنین علیه السلام، چون کارهای مستحبی را با هم می‌توانند انجام دهند. علی است دیگر بالامر تبه است.

سؤال: زمان صد هزار رکعت ...

پاسخ: بله، در کل به تدریج اگر انسان به سمت قیام به این شکل برود، زمان مقهور فرد می‌شود. الان زمان بر ما قاهر است، غالب بر ما است.

از دقیقه‌ی ۱۱۰ تا آخر

سؤال: بر ظرف زمان؟

پاسخ: بله، حتی در دنیا اگر قیام او قیام باشد، زمان مقهور او می‌شود. یعنی انسان به هیچ‌وجه نمی‌تواند اعمال او را در ظرف زمان قرار دهد. حتماً اعمال بسیار فراتر از ظرف زمان است، اگر قیام، قیام باشد.

سؤال: بی‌برکتی ...

پاسخ: بله، اینکه می‌گوییم بی‌برکتی، به دلیل نداشتن قیام پیوسته است. وگرنه وقتی پیوسته به قیام باشد، برکت ایجاد می‌کند، به این دلیل که شما وقتی نقشه می‌کشید و نقشه برای کار دارید، کارهای خیلی‌های دیگر هم در نقشه شما تعریف می‌شود و کارهای آنها کار شما است. فکر کنید می‌خواستید برای یک فردی وام فراهم کنید و تصمیم هم داشتید. بعد یک نفر پیدا می‌شود و به جای شما برای او وام فراهم می‌کند و ضمانت او را می‌کند و اقساط او را هم پرداخت می‌کند؛ به جای شما. شما امثال این کار زیاد دارید که فقط از ذهن شما خطور کرده است و توسط فرد دیگری انجام شده است. انسان وقتی قیام داشته باشد میزان اعمال او ...

سؤال: نامفهوم

پاسخ: حتماً می‌نویسند. در سوره‌ی انفطار است که یکی از کارهای ملائکه، نوشتن فعل انسان است، نه عمل انسان. خوبی این قیام به این است که نقشه ریخته می‌شود.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: آفرین همین است. قوام هم از همان می‌آید.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: اگر روی تصمیمات روز اثر داشته باشد و آن تصمیمات را از حالت شانس یا تصادف به حالت بهینه شدن جلو ببرد، چون کارهای شما معلوم است و باید کارها را بهینه تر کنید.

قیام یعنی اینکه طوری پی‌ریزی کنید و فکر کنید و بخواهید، که اعمال فردای شما بسیار بهتر از آن چیزی باشد که برای آن برنامه ریخته‌اید. مثلاً اگر برنامه ریختید که در عرض دو ساعت کاری را انجام دهید، در عرض یک ساعت انجام دهید. اگر در برنامه‌ریزی ده کار را ردیف کرده باشید، پانزده کار را انجام می‌دهید.

سؤال: در همان روزی که تصمیم می‌گیریم، ... بیشترین تلاطم را داریم.

پاسخ: بله، بعضی‌ها این‌طور می‌گویند. باید مقاومت کرد، باید دومرتبه رفت، ولی بعد از یک مدت درست می‌شود. این نشان می‌دهد که فرد درست حرکت می‌کند.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: بله، معلوم است که او خیلی اذیت شده است و می‌خواهد آن را به هم بریزد.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: باید مقاومت کند. استمرار است، استمرار بدهد و آن‌قدر این کار را تکرار کند تا بر آن غلبه کند.

سؤال: عکس آن هم همین شرایط را دارد و ...

پاسخ: بله

سؤال: هر شب ما هم شب قدر می‌تواند باشد و ...

پاسخ: شب قدر یعنی شبی که مقدرات نازل می‌شود. مقدرات شما در شب شما نازل می‌شود. شب قدری که **حَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ** است، شبی است که مقدرات نازل شدن قرآن اتفاق می‌افتد. هر شبی شب قدر است، ولی هر شبی شب نزول قرآن نیست. هر شب قدری، شب قدر نزول قرآن نیست، ولی هر شبی، شب قدر است.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: بله، آن مربوط به تغییر مقدرات جامعه از جنگ و موارد دیگر است که در سوره‌ی دخان مطرح می‌کند. مثل کاری که حضرت موسی علیه السلام می‌کند و بنی اسرائیل را نجات می‌دهد. یک سال بنی اسرائیل را نجات می‌دهند و ... شب قدر انبیاء این طور است. شب قدر انبیاء، تأثیرگذاری روی کل امت دارد. شب قدر ما فرق می‌کند. شب قدر ما مقدرات خود ما است. شب قدر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شب مقدرات جامعه هست. ما می‌توانیم در جور چین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش داشته باشیم و می‌توانیم به عنوان یار ایشان حساب شویم تا روی ما حساب کند. به همین دلیل شب قدر امام، شب قدر ما هم می‌شود. چون ما می‌توانیم در آن حساب داشته باشیم، اشتراک داشته باشیم.

تقدیر
بر چرخ
منظر

در استفاده از متن جلسات لطفاً به موارد زیر توجه شود :

- فایل پیاده جلسات صرفاً جهت مطالعه و مرور مطالب بیان شده در جلسات می‌باشد و نمی‌تواند به عنوان "منبع علمی" مورد استناد قرار گیرد. (احتمال تغییر محدود مطالب بیان شده در جلسات وجود دارد).
- لطفاً از هرگونه "تقطیع" متن جلسات جهت تهیه متن نوشته و ... به دلیل نارسایی در انتقال درست مضامین، خودداری شود.
- فایل متن جلسات "صرفاً" برای اعضای کانال می‌باشد و امکان نشر آن در سایر بسترها نیست.
- پیشنهاد میشود در مواردی که متن جلسه گویا نیست با توجه به زمان درج شده به صوت جلسه رجوع شود.
- شیوه پیاده سازی جلسات انطباق کامل متن با صوت می‌باشد. لذا در صورت مشاهده هرگونه مغایرت، لطفاً به شناسه @sm_nouri اطلاع فرمایید.

جهت تداوم نشر عمومی متن جلسات و بهره مندی از منافع آن، تعهد جمعی به موارد فوق را خواستاریم.

سپاس از همراهی تان